

متن پیاده سازی شده جلسه هفتماد سال دوم درس خارج اصول فقه 6 اسفندماه 1401

صفحات 163 و 164 : کلیک کنید

بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه تحقیق

همانطور که در بحث گذشته بیان شد در ضمن تحقیق می خواهیم بعضی از انظار گذشته را نقد کنیم. نکته ششم. یکی از نکاتی که صحیحی ها ذکر کردند این بود که قطعاً وقتی واضعین می خواهند لفظی را برای مرکبی وضع کنند برای مرکب تام وضع می کنند و بعد در آن هم استعمال می کنند و اگر می خواهند دستوری بدهند به مرکب تام دستور می دهند، کما اینکه مرحوم آخوند در کفایه این مطلب را بیان کردند.

حالا اشکال وارد نشود که این موارد برای تکوین است و الا در اعتبارات چنین نیست، که مرحوم آخوند از آن جواب می دهند که فرقی بین اعتبار و تکوین نیست، مثلاً آشپزی که می خواهد غذایی را اختراع کند، او برای غذای ناقص لفظ را وضع نمی کند لذا مسلماً برای مرکب تام وضع می کند. حالا به جای آشپز کسی را بگذارید که می خواهد برنامه اخلاقی یا مذهبی را اختراع کند، او آن را برای مرکب تام قرار می دهد. در شرع مقدس هم خلاف این نرسیده است، لذا از موارد قطعی است که واضع برای مرکب تام وضع می کند و وقتی هم بخواهد امر کند به همین امر مرکب دستور می دهد، بنابراین ثابت می شود که وضع برای صحیح است.

این دلیل از آن دلایلی است که مانند تبادر نیست تا فوراً بتوان مقابل آن نقض بیان کرد. به نظر ما نسبت به این دلیل نه موضع کاملاً سلبی باید گرفت و نه ایجابی؛ و به عبارت دیگر برای این دلیل هم وجه صحیح و هم وجه باطل وجود دارد. بیان وجه صحیح: قبلاً بیان کردیم که وقتی پیامبر (ص) آمدند یک برنامه ای به نام نماز آوردند، حالا خود کلمه خلق پیغمبر (ص) نبود اما این برنامه با این شکل و شمایل جدید بود و پیامبر (ص) هم وقتی به حضرت خدیجه (س) فرمودند که نماز بخوانیم در مرکب تام استعمال می کردند. بعد مسأله اینکه اگر آب در دسترس نبود حکم آن چیست مطرح شد و لذا یک کششی پیدا کرد که توضیح داده شد.

این مسأله را در تکوینیات بیان کنید به اینکه کسی دارو یا غذایی را خلق می کند او داعی ندارد که برای فاقد اجزاء و الشرائط آن را ایجاد کند. اما اگر مراد این است که پیامبر (ص) از روز اول همانند واضعان دیگر با یک برنامه مشخص یک صلاة تام الاجزاء و الشرائط را بیان کرد و آن را برای صحیح وضع کردند، این حرف دلیلی ندارد بلکه دلیل بر خلاف آن است؛ مثلاً مخترعی را در نظر بگیرید که چیزی مانند چراغ را ایجاد می کند، اینجا در ابتداء استعمالی صورت گرفت و بعد مشابه آن آمد و چون لفظ است و برای شکل خاصی نبود ادامه پیدا کرد و کش دار شد؛ حالا اگر به این معنا باشد ما قبول نداریم که برای مرکب تام بوده تا بعد نتیجه بگیریم برای خصوص صحیح بوده است.^۴

نکته هفتم. طبق مبنای ما اصلاً بحث به این شکل صحیحی یا اعمی موضوع ندارد. کسانی که صحیحی و اعمی می شوند وضع را می پذیرند (کما اینکه مرحوم آخوند فرمودند وضع لازم است) و یک مرحله به نام نامگذاری و یک مرحله به نام تعلق امر ایجاد می کنند، چون امر حتماً به صحیح تعلق گرفته است و کسی با آن مخالفتی ندارد و کسانی که اعمی می-شوند می گویند واضع (یعنی شارع) برای اعم وضع کرده است ولی به صحیح امر کرده است، یعنی مقام تسمیه را از مقام استعمال و تعلق امر جدا می کنند و حال اینکه ما قبلاً این مطلب را بهم زدیم و بیان کردیم این ها دوتا مقام نیستند بلکه تنها صرف استعمال است که پیامبر (ص) وقتی مبعوث شدند آن را استعمال کردند و مسلمانان نیز به دنبال پیامبر (ص) آن را استعمال کردند.

اشکال باشد.

جواب: در اینجا انکار نمی‌کنیم که از بیان ما این مطالب به دست می‌آید اما نخواستیم که از صرف استعمال و انگاره استغناء باشد. اگر دقت کرده باشید بحث ما یک فرآیندی داشت و بیان کردیم با این فرآیند دیگر تصویر جامع ضرورت ندارد بلکه اصلاً صحیح نیست.

اما در مورد بخش دیگر سؤال می‌گوییم ما همین انظار را می‌خواهیم ردّ کنیم، یعنی می‌خواهیم بگوییم در مورد لفظ حتی خود پیغمبر (ص) تصور دقیقی از آن نداشتند، لذا چنین بوده است که مثلاً نماز با استعمال لفظ بیان شده است، البته قبول داریم که افراد نماز تناسب دارند، کما اینکه بین نماز و روزه تناسبی نیست، اما این تناسب نه موضوع له است و نه وضع است و وقتی خود واضع هم تصور دقیقی ندارد می‌خواهید پشت آن کار قرار بگیرید و متمم جعلی هم که از آیت الله سیستانی (حفظه الله) نقل می‌کنند به مرحوم بروجردی برمی‌گردد که ایشان توجه خاص و تخشع را به عنوان جامع بیان کردند و حال اینکه نماز در روایات و ارتکازات توجه خاص و تخشع نیست.

اما مشکل این بیان این است که آیت الله سیستانی (حفظه الله) می‌فرمایند این‌ها مصداق است ولی یک چیزی است که آن معناست؛ که ما می‌گوییم مثلاً در مورد شلوار این از اول برای یک چیزی بوده و بعد مشابه سازی شده است و با اینکه حریم دارد نمی‌توان به اسم جامع دور آن خط کشید.

الحمد لله رب العالمین